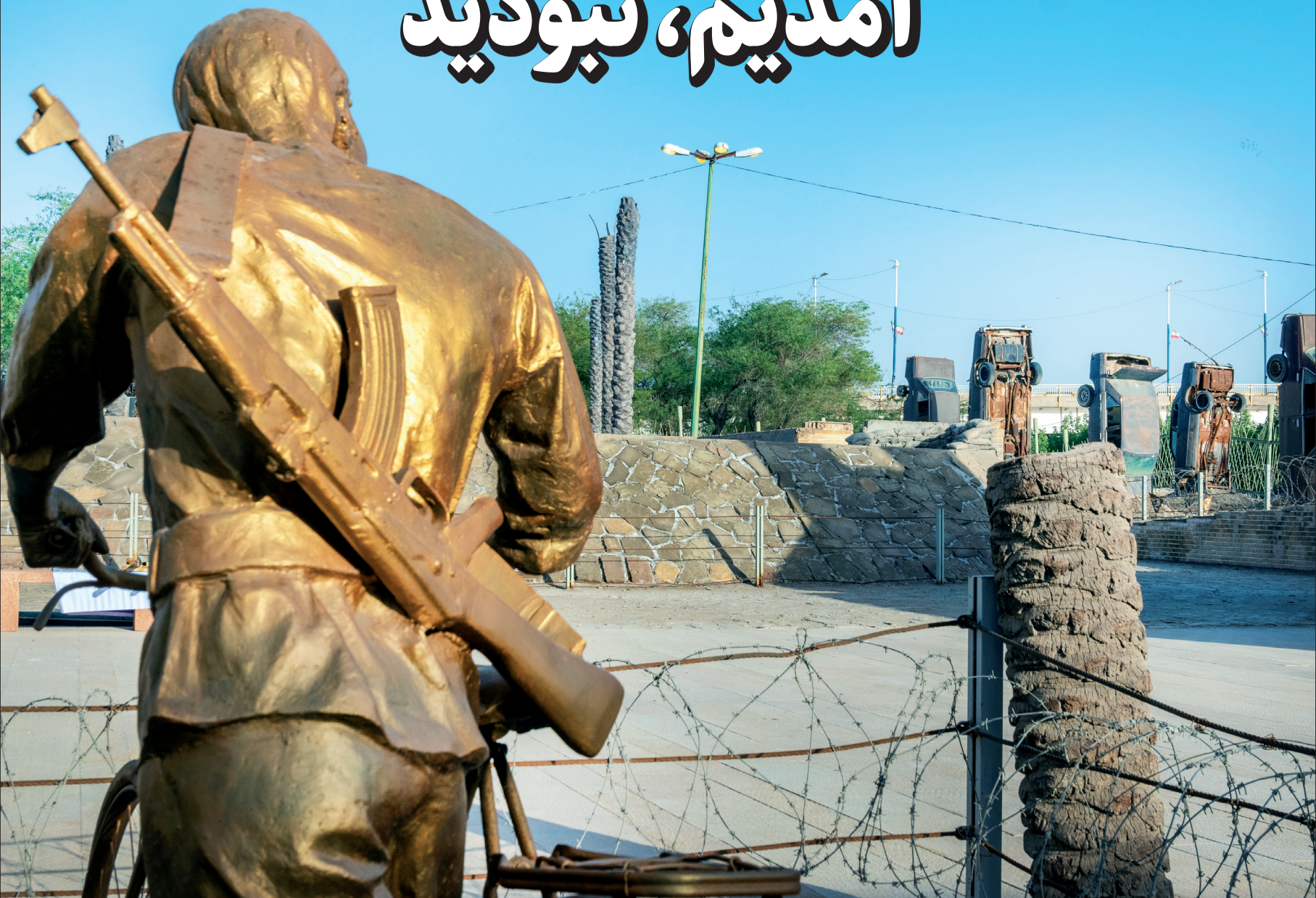


موزه جنگ خرمشهر: راوی ساکت تاریخ هشت ساله دل‌آوردی‌های جوانان ایرانی در دفاع مقدس

آمدیم، نبودید



خرمشهر، شهر موزه‌ای زنده از جنگ است. هنوز هم پس از ۴۰ سال می‌توان خاطرات جنگ را در کوچه پسکوچه‌های آن رد زد. انگار غم سنگین باقی مانده از جنگ، این شهر را به فراموشی کشانده است. چیزی از آن همه حماسه به جا نمانده است؛ حتی آن مسجد معروف را بازسازی کردند و برخی از عجیب‌ترین نماهای تاریخ معاصر حالا دیگر وجود ندارد. شهر هر چند مأمونی برای خاطرات، داستان‌ها و قصه‌های جنگ است و مردمانش راویان بخشی از تاریخ هستند. موزه جنگ خرمشهر، کنار رود کارون قرار گرفته و هنوز می‌شود بخشی از خاطرات را مرور و آثار جنگ را در آن دید. خاطراتی که از آغاز جنگ و اشغال خرمشهر شروع می‌شود. از سوم خرداد و خونین‌شهر می‌گذرد و با ممدنبودی ببینی یادی از فداکاری‌ها و رشادت‌ها می‌کند. در موزه دفاع مقدس آثار شهیدان مانند کوله‌پشتی، اسلحه، قمقمه و پوتین وجود دارد که از مناطق مرزی خرمشهر مانند شلمچه به یادگار مانده است.

آن روزهای خرمشهر که بالاخره خانه را رها کردند، آن هم درست وقتی که عراقی‌ها رسیده بودند به دیوارهای پستی خانه. حضوری که تا غروب چهارم آبان ۱۳۵۹ ادامه داشت؛ تا زمان اشغال خرمشهر.



حربی باتمام وجود و با همان لباس‌های خاکی تداعی‌کننده جنگ است با چهره‌ای کاملاً جنوبی و لهجه‌ای شیرین که بر زبان ساحل‌نشینان ارون‌د جاری است. او ما را به داخل موزه دعوت می‌کند و می‌گوید: «این ساختمان خودش به تنهایی یک موزه است؛ چرا که خاطرات تلخ و شیرین زیادی را به خود دیده است».

ساختمان این موزه در سال ۱۳۰۹ ساخته شد و تا پایان جنگ کاربری آن بخش اداری شرکت نفت بوده است. با شروع جنگ تحمیلی در اواخر شهریور ۱۳۵۹ این ساختمان و این بخش از شهر، به اشغال عراقی‌ها درآمد و به برج دیده‌بانی آنان تبدیل شد. با بازسازی گوشه‌ای از ساختمان اداری شرکت نفت، در سال ۱۳۷۵ این مکان به عنوان مرکز فرهنگی دفاع مقدس افتتاح شد.

ما این موزه را به همراهی «عباس حربی» می‌بینیم؛ یکی از راویان موزه که در خرمشهر به دنیا آمده و از روزهای ابتدایی جنگ و روزهای اشغال آن خاطره زیاد دارد؛ آن قدر که بگوید من و خیلی از هم‌نسل‌هایم در جنگ بزرگ شدیم، که بگوید خانواده‌اش آخرین خانواده‌ای بودند در محله کوی طالقانی